Archive of SID

قالب در شعر نیما

سید کاظم موسوی

دانشگاه شیراز

چکیده:

یکی از شاخص‌هایی که شعر نیما را از شعر کلاسیک جدا می‌سازد، تغییر و تحولاتی است که او در شکل ارائه شعر به وجود آورده است. در خصوص این تغییراتی که توسط نیما در شعر فارسی رخ نمود و نیز اینکه در رهیابی به این تغییرات از چه حوزه‌هایی ـ از جمله از غرب متأثر بوده است ـ بحث‌های دامنه داری شده است که در ابتدای این مقاله به آن پرداخته می‌شود و سپس با تقسیم‌بندی اشعار نیما به شعرهای سنتی ،نیمه سنتی و شعرهای آزاد، ویژگی ها و تغییرات هر کدام از آن‌ها جداگانه با ارائهٔ نمونه‌های شعری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نیما،شعر،قالب شعری،وزن،نوآوری،مصراع،شعرسنتی،شعرنیمه‌سنتی،شعرآزاد.

***

یکی از شاخص‌هایی که شعر نیما را از شعر کلاسیک جدا می سازد، تغییر و تحولاتی است که او در شکل ارائهٔ شعر به وجود آورده است. قبل از بررسی چگونگی وزن و قافیه و نوع ارائهٔ آن به دیدگاه‌های صاحب نظران در این مورد پرداخته می‌شود:

یکی از بدعت های او(نیما) اوزان شعرهایش بود و در حقیقت مادر بدعت‌ها و بدایع وی" (اخوان ثالث، ص ۱۰۲)

بیشتر مواد و مصالحی که در آثار نیمایوشیج به کار رفته ملهم از شیوه‌ی شاعران غربی است."(شفیعی کوکنی، ص ۹۶)

خانلری درباره‌ی نیما گفت: نیما یوشیج در آغاز به دنبال اوزان نو و غریب بود و

www.SID.ir

Archive of SID

اشعار غنایی خود را زیر نفوذ شاعران رمانتیک فرانسوی به‌ویژه دوموسه و لامارتین می‌سرود و در قالب این اوزان می‌ریخت. وی سپس این قاعده را نیز شکست و پیشاهنگ نوعی شعر آزاد با معانی عجیب و مبهم شد که ویژه‌ی خود اوست." (شفیعی کوکنی، ص ۹۸).

"این تجدد امروز واقعیت دارد و هدیه‌ای است که تمدن غرب برای ما آورده است و فرهنگ آن یک جلوه‌ی آن در ادب شعر نو است، شعر عاری از وزن و قافیهٔ سنتی که پدرش "نیما" است. اما این تجدّد ادبی تنها در شعر نو خلاصه شدنی نیست؛ مسأله فکر امروزی است و دید امروزی." (زرین کوب، ص ۲۴۱)

"وزن و قافیه هر جا واقعاً مجال شاعر را تنگ کنند و یا او را در تنگنایی اندازند که اندیشه و احساس خویش را با آنها معارض بیند طردشان واجب است و بی ملامت، زیرا به هر حال، آنچه خواننده از شاعر توقع دارد شاعری است نه قافیه بندی." (زرین کوب، ص ۲۳۶)

"در قلمرو عروض فارسی با همه‌ی گستردگیش، اختراع وزنهای تازه رایج نیست و چنین کاری بر حسب اتفاق روی می‌دهد. البته نیما به این بسنده نکرد و گامی بلندتر برداشت و در شعر فارسی عروض تازه‌ای را متداول کرد که آن را "عروض نیمایی" یا "عروض آزاد" می‌گویند. این عروض از دید "خانواده"ی وزن‌ها قطعاً از جنس عروض کلاسیک به شمار می‌آید. با این فرق که در عروض کلاسیک شاعر (با دو مورد استثنایی مستزاد و بحر طویل) در انتخاب ارکان، آزادی عمل ندارد." (شفیعی کوکنی، ص ۹۴)

"نیما با وزن مخالف نیست بلکه با انطباق و انقیاد شعر در تسلّط موسیقی مخالف است." (ثروت، ص ۳۲)

"بطور کلی شعرهای او را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: یکی شعرهایی که به سبک کلاسیک (سنتی) سروده است، ولی آن‌ها نزدیک به تمامشان متوسط بد هستند؛ جمله

www.SID.ir

Archive of SID

غزل‌ها و رباعی‌ها. دوم شعرهای نو، از نوع "پادشاه فتح" و "کار شب پا" و "مرغ آمین" که آشفته و درهم ریخته‌اند، در میان آن‌ها بعضی بندهای لطیف می‌توان دید، ولی مجموع شعر دل آشوبه می‌آورد. ولی به نظر من موفق‌ترین شعرهای او آن قطعه‌های کوتاه نیم نو هستند. چون: "وای بر من"، "شب قورق"، "در فرو بند"، "مهتاب"، "داروگ"، "خانه‌ام ابری است"، "ای عاشق افسرده"، "هنگام که گریه می‌دهد ساز" و چند قطعه‌ی دیگر نظیر این‌ها ... در اینجا سبک واقعی نیما و تازگی سخن و شخصیت شکننده‌ی او را می‌توان یافت." (اسلامی ندوشن، ص ۲۷۴)

" این ابتکار و استخراج "نیما" حاصل جهد و روشن‌بینی و بصیرت عمیقی است که داشته، و کاری است منطقی و اصولی و باارزش. "نیما" وزن‌های دیگر را خراب نکرده، آن صد و بیست وزن را از ما نگرفته، بلکه نوعی بر انواع قالب‌ها در استفاده از همان وزن‌ها افزوده است، نوعی که می‌تواند از همه‌ی وزن‌ها استفاده کند و حتی در یک شعر به مناسبت تغییر حالت، از دو یا چند وزن بهره بگیرد." (اخوان ثالث، ص ۱۲۹)

" پیش از این گفتهٔ "نیما" نقل کردیم که گفت در هنر هر کاری از ریشهٔ قبلی آب می‌خورد و هم نقل کردیم که گفته بود: "من از گات‌ها شروع کرده‌ام که فرمان اصلی است و اصلیتی را در شعر ما دارد." مسلماً "نیما" لااقل با ترجمه‌ی اوستا و شعر قبل از اسلام ایران آشنایی داشته است و می‌دیده است که:" اغلب اشعار اوستا دارای یک وزن و آهنگ معین نیست، یعنی آهنگ هر بیتی ممکن است با دیگری فرق داشته باشد ... مصراع اول دارای شش سیلاب [است] دومی هفت، سومی هشت و چهارمی هفت سیلاب دارد... "پس یکی از مؤثرات و سرچشمه‌هائی که ممکن است احتمالاً در اختیار و ابتکار مدنظر اهل تحقیق باشد، توجه نیما و اشاره‌اش به شعر قبل از اسلام ایران تواند بود." (اخوان ثالث، ص ۱۲۹)

نوآوری و بدعت نیما در مورد وزن ـ چنان که گذشت ـ مقید نبودن به قید تساوی ارکان است در مصراع‌های شعر، یعنی او تساوی طولی مصرع‌ها را فقط، رعایت

www.SID.ir

Archive of SID

نمی‌کند؛ و این حال مستلزم دوگونه خروج از قوانین و سنت‌های قدیم است: الف) در جهت کوتاه‌تر از حد معمول آوردن مصرع‌ها، ب) در جهت بلندتر از حد معمول آوردن؛ و این هر دو حال در قدیم به نحوی سابقه داشته است. در قسمت اول مصرع‌های کوتاه مستزادها، سابقه‌ی کوتاه‌تر از حد معمول آوردن است. شواهدی در دست هست که نیما به شکل مستزاد توجه داشته است و در آزمایش‌های گوناگون خود این قالب را هم آزموده است و از آن گذشته، وجود بعضی مستزادها در آثار نیما از این معنا حکایت می‌کند. که البته مجال نیست به همهٔ آن‌ها بپردازیم و لزومی هم ندارد، اما یکی دو شاهد می‌توان آورد. از جمله‌ی این شواهد، یکی مثنوی مستزاد "شبر" است که از نخستین کارهای نیماست. شاهد دیگر منظومهٔ بالنسبه مشهور و مفصل "خانواده‌ی "سرباز" اوست که نیما در ۱۳۰۵ شمسی سروده است. این منظومه در قالبی آمیخته از مثنوی مستزاد سروده شده است که همچنان ندرت دارد". (اخوان ثالث، ص ۱۸۹ و ۱۹۸-۲۰۰)

" شکل و قالب ترانه‌های محلی و نحوهٔ وزن گرفتن آن‌ها - شک نیست که "نیما" با انوع این گونه ترانه‌ها، چه ترانه‌های مازندارانی و چه ترانه‌های عام همه‌ی ایران و چه آنهاکه در تهران بر سر زبان‌هاست، آشنا بوده است." (اخوان ثالث، ص ۲۰۱)

قالب بعضی ازاقسام نوحه‌های قدیم (نیما خود نوحه سرا بود) به خواهش بعضی هم - روستائیان که از لحاظ وزن و قافیه (در قالب نوحه‌های متداول) تنوعی بیشتر از دیگر قوالب شعر رسمی ادبی به خود پذیرفته، به عنوان مثال از کلیات یغمایی جندقی شاعر، هزال معروف، چند بیتی در این فهرست ثبت می‌کنم:

... آفتاب چرخ دین را لشکری زاختر فزون،
آبگون،
تیغ‌ها در قصه خون؛
برمکش هان از نیام صبح خنجر، آفتاب!

www.SID.ir

Archive of SID

آفتاب!

بازکش سر، آفتاب!... .

چنان که آشکار است این شکل به اشکال "نیمایی" بی شباهت نیست. یعنی در آن تساوی تعداد ارکان و افعال عروضی در مصرع رعایت نشده". (اخوان ثالث، ص ۲۰۴-۲۰۵)

"شکل مکتوب ونحوه‌ی وزن گرفتن شعر در زبان‌های اروپائی - "نیما" به زبان فرانسه آشنا بود و از این طریق با شعر فرنگیان فی‌الجمله ربط و مختصر بسر و سری داشت. شاید در ایام جوانی بیشتر ولی بعدها کم و کمتر". (اخوان ثالث، ص ۲۰۶)

"قول‌ها و تصنیف‌ها - پا به پای غزل از ایام قدیم نوعی شعر ملحون هم نزد اهل ذوق و شعر و موسیقی شناخته و متداول بوده است که به آن قول می‌گفته‌اند و آن را مرادف "غزل" به کار می‌برده‌اند. "قول" نوعی "غزل" بوده است. در اوزان شنگ و شاد و ضربی که اهل موسیقی برای آن نغمه و آهنگ می‌ساخته و تصنیفی می‌کرده‌اند و خوانندگان و قوالان، شعر را همراه با آهنگ می‌خوانده‌اند." (اخوان ثالث، ص ۲۰۹)

"موشحات و زجل‌ها و نیز اقسام دیگری از قوالب گوناگون متوسع و متنوع و بالنسبه آزادتر از قصاید و رجزها ومزدوجات و غیره که شعرای قدیم عرب، در اقطار مغرب اندلس (اسپانیا) در آن شکل و شیوه‌ها شعر می‌گفته‌اند. بی‌شک یکی از چشم اندازها و نظرگاه‌های نیما همین اقسام ساده و آزاد شعر قدیم عرب اندلس بوده است. از قبیل "موالیا" و "موشح" و "زجل" و "کان و کان" و ... دارای یک وزن و یک قافیه است، اما نیمه‌ی اول بیت درازتر از نیمه‌ی دوم است. اینک موشحی از "اعمی طلیطلی" (یا بنا به ضبط استاد "پروین گنابادی" "تطیلی"):

کیف السبیل الی صبری؟

و فی المعالم

اشجان

www.SID.ir

Archive of SID

والرکب فی وسط الفلا
بالخرد النواعم [نواعب]
قدبان.[۱]

از این رو طبیعی است که یکی از نظرگاه‌های نیما این قسم شعر اندلس = اسپانیا باشد و به این گونه تجارب و مواریث آن‌ها توجه داشته باشد". (اخوان ثالث، ص ۲۶۶)

"نیما شعرهایی دارد، به خصوص شعرهای بلندش، که باید چند صدایی می‌بود. یعنی یا وزنشان برای صداهای مختلف تغییر می‌کرد یا لحن‌شان. اما او انگار به چنین مسأله‌ای نیندیشیده. مثلاً در "خانه‌ی سر یویلی" شاعر و شیطان هر دو در یک وزن و با یک لحن حرف می‌زنند. حال آنکه متضادند." (مختاری، ص ۶۶)

به نظر من نیما به رغم ارائهٔ شکل کامل قطعه و طرح هارمونی، بیشتر وزن را تابع مصراع‌ها نگه داشته است. یعنی ارکان معینی را در مصراع‌های مختلفی به کاربرده است. اما شمار مصراع‌ها و در پی هم قرار گرفتن‌شان صرفاً به اقتضای عبارات و جملاتی است که در پی هم قرار می‌گیرند نه اینکه به صورت مشخصی از وزن در قطعه و هارمونی قطعه‌ای منجر شود." (مختاری، ص ۶۴).

"نیما واضع هارمونی برای شعر امروز است نه واضع وزن نیمایی، اما بر اثر توضیحات غلط اخوان، سالهای سال نیما فقط به عنوان واضع وزن نیمایی مطرح شد!..." (پاشا، ص ۹۱)

"شعرهای نیما را می‌توان در ارتباط با سه رکن سنت شعر کلاسیک به سه گروه تقسیم کرد:

۱ـ شعرهای سنتی: در این شعرها پایبندی به اصول و ضوابط سنت در هر سه رکن آشکار است.

۲ـ شعرهای نیمه سنتی: شعرهایی است که در آنها رکن صورت دستکاری می‌شود و قالب‌های سنتی مشهور و متداول‌تر که بر اساس شیوهٔ استفاده از قافیه در شعر کلاسیک

www.SID.ir

Archive of SID

قرن‌ها تداوم داشته کنار گذاشته می‌شود و یا دستخوش تغییراتی نسبتاً عادی و ناآشنا می‌گردد.

۳ـ شعرهای آزاد: که در آن‌ها پیروزی نگرشی تازه به هستی بر اصول و ضوابط مقام سنت در حوزهٔ صورت و قالب تحقیق پیدا می‌کند". (پورنامداریان، ص ۳۳)

در این قسمت آنچه امروز به عنوان شعر نیمایی شناخته شده، از نظر قالب مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر قالب هر شعر را وابسته‌به چگونگی وزن، قافیه و شیوهٔ نوشتاری ـ که پدید آورندهٔ موسیقی بیرونی و کناری شعر هستند بدانیم ـ اشعار نیما را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱ ـ کلاسیک ۲ ـ نیمه کلاسیک ۳ ـ بنیابین (نیمه آزاد) ۴ ـ آزاد

۱ - اشعار کلاسیک:

اشعاری که بدون هیچ گونه تغییری به سبک و سیاق قالب‌های کلاسیک سروده شده است. یعنی عناصر، وزن، قافیه و شیوهٔ نوشتاری به همان شکل قدیم است. در این دسته قالب‌های مثنوی، غزل، قصیده، قطعه و رباعی دیده می‌شود که هیچ تغییری نسبت به اشعار قدیم در آن صورت نگرفته است. از نظر تعداد، حدود بیست مثنوی، پنج غزل، چهار قصیده، بیست قطعه و پانصد و هشتاد رباعی را در بر می‌گیرد. وزن‌هایی که برای این قالب‌ها ارائه شده، وزن‌های رایج سبک‌های قدیم شعر فارسی است. و قافیه نیز با توجه به نوع قالب در جایگاه خود قرار دارد. "منت دو نان"، "نعرهٔ گاو"، "گل نازدار"، "مفسدهٔ گل"، "محبس"، "قلعه سقریم" و ... نمونه اشعار این دسته‌اند.

۲ - اشعار نیمه کلاسیک:

اشعاری که بر پایهٔ قالب‌های کلاسیک سروده شده است، اما یک یا دو عنصر از عناصر سه گانه در آن تغییر یافته، زمینه‌های نوگرایی و نوپردازی را آماده نموده است. در این اشعار هنجارشکنی‌های نیما به تدریج آغاز می‌شود؛ که این هنجار شکنی‌ها به

www.SID.ir

Archive of.SID

گونه‌های زیر است:

آ: درهم آمیزی قالب‌ها

ب: جابجاکردن قافیه

پ: کم و زیادکردن تعداد ابیات

ت: کم و زیادکردن تعداد مصراع‌ها

ث: کم و زیادکردن تعدادارکان

ج: تغییر در شیوهٔ نوشتاری

آ- درهم آمیزی قالب‌ها

نیما در این هنجار شکنی قالب‌های شعری را با یکدیگر ترکیب می‌کند. برای نمونه: شعر "بزملاحسن" که در قالب "مثنوی" و "قصیده" درهم آمیخته است:

"بز ملاحسن:

بز ملاحسن مسئله گو
چو به ده از رمه می‌کردی رو
داشت همواره به همره پس افت،
تا سوی خانه، ز بزها، دو سه جفت
بز همسایه، بز مردم ده
همه پر شیر و همه نافع و مفت
شاد ملا پی دوشیدنشان
جستی از جای و به تحسین می‌گفت:
"مرحبا بزبزک زیرک من
که کند سود من افزون به نهفت!"

www.SID.ir

Archive of SID

روزی آمد ز قضا بزگم شد.
بز ملا به سوی مزدم شد.
جست ملا کسل و سرگردان
همه ده، خانه‌ی این خانه‌ی آن.
زیر هر چاله و هر دهلیزی،
کنج هر بیشه، به هر کوهستان،
دید هر چیز و بز خویش ندید
سخت آشفت و به خود عهد کنان
گفت: "اگر یافتم این بد گوهر
کنمش خرد سراسر ستخوان"
ناگهان دید فراز کمری،
بز خود را ز پی بوته چری،
رفت و بستش به رسن، زد به عصا،
"بی مروت بز بی شرم و حیا!
این همه آب و علف دادن من
عاقبت از توام این بود جزا
که خورد شیر تو را مردم ده؟
بزک افتاد و بر او داد ندا:
"شیر صد روز بزان دگران،
شیر یک روز مرا نیست بها؟"
یا مخور حق کسی کز تو جداست،
یا بخور با دگران آنچه تراست..(طاهباز، ص ۱۲۹)

بند اول شعر دارای شش بیت است که بیت اول و دوم به صورت مثنوی و دارای

www.SID.ir

Archive of SID

قافیه‌های: گو، رو و افت، جفت؛
۳ بیت دیگر با قافیه‌های: مفت، گفت و نهفت به صورت قصیده است؛
بیت ٦ به صورت مثنوی با قافیهٔ: گم و مردم.
بند دوم دارای ۱۰ بیت است که به ترتیب:
بیت اول به صورت مثنوی با قافیه: سرگردان و آن؛
بیت ۲ و ۳ و ۴ به صورت قصیده دارای قافیه: کوهستان، عهدکنان، ستخوان؛
بیت ۵ و ٦ به صورت مثنوی دارای قافیه‌های: کمری، چربی، عصا، حیا؛
بیت ۷ و ۸ به صورت قصیده و با قافیه‌های: جزا، ندا، بها؛
و بیت دهم به صورت مثنوی و با قافیهٔ: "جدا وترا" ارائه شده است.
و از این نمونه هاست،اشعار زیر:
روباه و خروس (مثنوی ـ قصیده)
گل زود رس (مثنوی ـ قصیده)
یادگار (مسمّط ـ ترکیب بند)
شیر (مثنوی ـ مستزاد)
ای عاشق فسرده (مسمّط ـ ترجیع بند)

ب: جابجاکردن قافیه

گونه‌ای دیگر از هنجار شکنی نیما جابجاکردن قافیه در شعر است؛ یعنی جایگاه قافیه که بنا به نوع قالب در شعر قدیم ثابت بود، در این نوع شعر تغییر می‌کند. برای مثال قالب ترکیب بند که می‌بایست هر چند مصراع که در یک بخش قرار دارند دارای قافیهٔ مشترک باشند، در این هنجار شکنی این اشتراک را از دست می‌دهند؛
برای نمونه،وضعیت اشعار زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم:
ـ شعر "افسانه"

www.SID.ir

Archive of SID

از مجموع ۱۲۷ بند؛
در ۹۷ بند مصراع‌های ۲ و ۴ هم قافیه،
در ٦ بند مصراع‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ هم قافیه،
در ۲۰ بند مصراع‌های ۱ و ۲ و ۴ هم قافیه،
در یک بند مصراع‌های ۲ و ۳ و ۴ هم قافیه،
و در یک بند قافیه وجود ندارد.

ـ شعر "یادگار"

قافیه در مصراع‌های ۲ و ۴ یکسان است، اما در بند ۴ مصراع‌های ۱ و ۲ و ۳ هم‌قافیه‌اند.

ـ شعر "تسلیم شده":

بند ۱ مصراع‌های ۲ و ۴ هم قافیه، و بند ۳ مصراع‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ هم قافیه و در بند ۲ و ۵ و ٦ مصراع‌های ۱ با ۳ و ۲ و با ۴ هم قافیه هستند.

ـ شعر "به یاد وطنم":

چهار پاره (نو) مصراع‌های ۱ با ۳ و ۲ با ۴ هم قافیه هستند.

ـ شعر "بشارت":

این شعر از نظر قافیه همانند قطعه است. تنها در بیت آخر هر دو مصراع دارای قافیه هستند.

ـ شعر "گرگ":

www.SID.ir

Archive of SID

قافیه‌دربند ۲به صورت ۱و ۲و ۳و ۴و در ۵ بند دیگر به صورت ۱ با ۳ و ۲ با ۴ است.

ـ شعر "خانواده‌ی سرباز":

دارای ۱۰۱ بند به جز بندهای ۱ و ۳که مصراع‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ هم قافیه هستند و در بقیه بندها قافیه به صورت ۱ با ۲ و ۳ با ۴ آمده است. در ضمن ابیات ترکیب بند، با هم، هم قافیه هستند.

شعر "ای شب"، "محبس" و "خارکن" نیز از این‌گونه اشعار هستند.

پ ـ کم و زیاد کردن تعداد ابیات

در این دسته اشعاری قرار دارند که از نظر تعداد ابیات، از معمول شعر کهن فارسی فراتر رفته‌اند؛ یعنی اگر برای قالب قطعه محدوده‌ای بین ۲ تا ۲۰ بیت در نظر گرفته شده است، از نظر تعداد ابیات هنجار شکنی شده است.مثلاً برای نمونه: اشعار: "در جواب حسین تهرانی"، "نامه" و "نامه به آیت اللّه محمد صالح علامه حائری" از نظر شکل، قطعه هستند اما از نظر تعداد ابیات طولانی‌تر از طول قطعه است؛ یعنی به ترتیب دارای ۳۷، ۱۲۰ و ۵۰ بیت هستند. همچنین در شعر "کرم ابریشم" که در قالب قصیده سروده شده تنها ۹ بیت وجود دارد و در شعر "اسب دوانی" که در قالب قصیده سروده شده تنها ٦ بیت وجود دارد.

ت ـ کم و زیاد کردن تعداد مصراع‌ها

در بعضی از قالب‌های شعر فارسی؛ مثل: ترجیع بند، ترکیب بند، مسمط و ... تعداد مصراع‌ها مشخص هستند و بنا به همین تعداد، قالب‌های: مربع، مخمس، مسدس و ... ساخته می‌شوند. هنجار شکنی نیما دراین قسمت مربوط به کم و زیاد کردن تعداد مصراع‌های شعر است که قبل از او رایج نبوده است. در پایین برخی اشعار نیما را از این

www.SID.ir

Archive of SID

جنبه بررسی می‌کنیم:

ـ شعر "سرباز فولادین"

هر بند از دو مصراع و یک تک مصراع مسمط تشکیل شده، اما در بندهای ۸۸، ۹۷ و ۱۳۲ هر بند از سه مصراع و یک تک مصراع تشکیل شده است.

ـ شعر "قلب قوی"

که در قالب مسمط سروده شده است، از نظر تعداد مصراعها، دو مصراع به صورت یک بخش و یک تک مصراع به صورت بند (تسمیط) آمده است؛ که قالبی جدید است. شعر "ترکش روزگار" دارای خصوصیات شعر "قلب قوی" است.

ـ شعر "هنگام که گریه می‌دهد ساز"

از ۴ بند تشکیل شده و هر بند آن دارای ۴ مصراع است و تنها بند سوم آن از ٦ مصراع تشکیل شده است.

ث ـ کم و زیاد کردن تعداد ارکان

از عمده‌ترین هنجار شکنی‌های وزنی نیما، کم و زیاد کردن تعداد ارکان در مصراع هاست؛ کاری که آهنگ مرسوم را در هم می‌شکند و طبیعت شعر را به طبیعت زبان گفتار نزدیک می‌سازد. اشعار زیر را از این لحاظ بررسی می‌کنیم:

ـ شعر "خانواده‌ی سرباز"

که هر بند این شعر دارای ٦ مصراع است. ۴ مصراع به عنوان بخش و دو مصراع به عنوان بیت ترکیب آمده است که مصراع دوم بیت ترکیب ۲ رکن نسبت به ارکان

www.SID.ir

Archive of SID

مصراع‌های قبل کمتر دارد؛

شمع می‌سوزد بردم پرده،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
تاکنون این زن خواب ناکرده،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
تکیه داده ست او روی گهواره،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
تکیه داده است او روی گهواره،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
آه! بیچاره! آه! بیچاره!	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
وصله چندی ست پرده‌ی خانه ش حافظ	فاعلاتن فع فاعلاتن فع فاعلاتن فع
لانه ش.	فاعلاتن فع
مونس این زن هست آه او،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
دخمه‌ی تنگی ست خوابگاه او،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
در حقیقت لیکن چار دیواری،	فاعلاتن فع فاعلاتن فع
محبسی تیره بهر بدکاری؛	فاعلاتن فع فاعلاتن فع

ریخته‌ازهم‌چون‌تن‌کهسارپیکردیوار(طاهباز،ص ۸۶) فاعلاتن‌فع‌فاعلاتن‌فع‌فاعلاتن فع

ـ شعر "شهید گمنام"

که هر بند آن دارای ۵ مصراع است. ۴ مصراع اول از سه رکن و مصراع پنجم از ۴ رکن تشکیل شده است؛

همه گفتند مرو، او نشنید	فاعلاتن فعلاتن فعلات
نشود مرد دلاور نومید	فاعلاتن فعلاتن فع لان
ننهد وقع به کار دشمن	فاعلاتن فعلاتن فع لن
ـ کیست ایقدر جری؟ ـ گفت که من	فاعلاتن فعلاتن فعلن
بعد از آن ماند خموش و کرد اندیشه کمی	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن
او جوان بود. جوانی نوخیز	فاعلاتن فعلاتن فعلات

www.SID.ir

Archive of SID

بین همسالانش چون آتش نیز — فاعلاتن فعلاتن فعلات
مثل آن گل که کند وقت طلوع — فاعلاتن فعلاتن فعلات
به رنگهای دگر خنده شروع — فاعلاتن فعلاتن فعلان
تادرآمدبه‌جهان،جلوه‌اش بود و غرور(طاهباز،ص ۱۲۳) فاعلاتن‌فعلاتن‌فاعلاتن‌فعلات

ج - شیوهٔ نوشتاری

یکی دیگر از هنجار شکنی‌های نیما شیوهٔ نوشتاری اوست. در این شیوه است که یک شعر از نظر وزن و قافیه همانند قالب‌های قدیم است. اما نیما با تغییرشیوهٔ نوشتاری، یعنی به جای اینکه مصراع‌ها را در مقابل بنویسد، زیر هم نشان می‌دهد وهمین امر سبب می‌شود که خواننده از نظر دیداری یک بیت را یک واحد شعری نپندارد، بلکه گویی با نوعی جدید از شعر مواجه شده است. اشغار زیر را از لحاظ شیوهٔ نوشتاری آنها مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ـ شعر "قصه‌ی رنگ پریده، خون سرد"

این شعر ظاهراً اولین شعر نیماست و از نظر وزن و قافیه درقالب مثنوی است؛ اما شیوهٔ نوشتاری به صورت تک مصراعی و زیر هم نویس است:

من ندانم باکه گویم شرح درد:
قصه‌ی رنگ پریده، خون سرد؟
هرکه با من همره و پیمانه شد،
عاقبت شیدا دل و دیوانه شد،
قصه‌ام عشاق را دلخون کند،
عاقبت خواننده را مجنون کند.
آتش عشق است وگیرد درکسی

www.SID.ir

Archive of SID

کاو ز نور عشق، می‌سوزد بسی،
قصه‌ای دارم من از یاران خویش
قصه‌ای از بخت و از دوران خویش
یاد می‌آید مرا کز کودکی
همره من بوده همواره یکی (طاهباز، ص ۱۷)

ـ شعر "افسانه":

در بعضی بندها، یک مصراع دو تکه شده است؛

افسانه: "که زنو قطره‌ای چند ریزی؟
بینوا عاشقا!"

عاشق: "گر نریزم
دل چگونه تواند رهیدن؟

چون توانم که دلشاد خیزم
بنگرم بر بساط بهاران" (طاهباز، ص ۵۲)

اشعار: چشمه‌ی کوچک، انگاسی، بزملا حسن، گل زود رس، خارکن، روباه و خروس، به یاد وطنم، پسر و ... نیز نین ویژگی‌ای دارند.

۳ – اشعار بینابین (نیمه آزاد)

تقریباً اکثر موارد هنجارشکنی نیما در این اشعار اعمال شده، اما هنوز به صورت شعر آزاد در نیامده است. این اشعار در واقع حدفاصل شعرهای سنتی و آزاد هستند که وزن، قافیه، تعداد مصراع‌ها و تعداد ارکان هر کدام به گونه‌ای خاص متحوّل شده‌اند؛ به عنوان مثال:

www.SID.ir

Archive of SID

ـ شعر "مرغ غم"

این شعر دارای ۱۱ بند است.بندهای ۱، ۳، ۴، ۵، ٦، ۷، ۸، ۹، ۱۱ از سه مصراع و بندهای ۲ و ۱۰ از ۴ مصراع تشکیل شده است.

تعداد ارکان در دو بند ۲ و ۱۰ دوتاست (فاعلاتن فاعلن) و تعداد ارکان در ۹ بند دیگر چهار تاست.(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن).

مصراع‌های ۹ بند، هم قافیه هستند، اما در دو بند ۲ و ۱۰، مصراع‌های ۱ با ۳ و ۲ با ۴ هم قافیه هستند و از نظر نوشتاری نیز به صورت زیرنویس است.

ـ "مرغ غم"

روی این دیوار غم، چون دود رفته بر زبر،
دائماً بنشسته مرغی، پهن کرده بال و پر،
که سرش می‌جنبد از بس فکر غم دارد به سر،
پنجه‌هایش سوخته،
زیر خاکستر فرو،
خنده‌ها آموخته،
لیک غم بنیاد او،
هر کجا شاخی ست برجا مانده بی برگ و نوا
دارد این مرغ کدر بر رهگذار آن صدا
در هوای تیره‌ی وقت سحر سنگین بجا. (طاهباز، ص ۲۲۵)

ـ شعر "گنج است خراب را"

این شعر دارای ٦ بند است. هر بند دارای سه مصراع و یک تک مصراع ترکیب است. وزن همه مصراع‌ها یکسان، اما از نظر قافیه، سه مصراع با هم، هم قافیه نیستند، ولی

www.SID.ir

Archive of SID

مصراع‌های ترکیب هم قافیه هستند. از نظر نوشتاری نیز به صورت زیر نویس نوشته شده است.

ـ شعر "از عمارت پدرم"

این شعر دارای ٦ بند است. هر بند از سه مصراع تشکیل شده و وزن همهٔ مصراع‌ها یکسان است. سه مصراع هر بند با هم، هم قافیه نیستند اما مصراع‌های سوم هم بندها با هم، هم قافیه‌اند. صورت نوشتاری آن نیز زیرنویس است.

ـ شعر "تلخ"

همانند شعر "از عمارت پدرم" است، با این تفاوت که علاوه بر قافیه، ردیف نیز در مصراع‌های سوم بندها آمده و نیز در بند آخر قسمتی از مصراع ترکیب در مصراع دوم بند آمده است.

۴- اشعار آزاد

اشعاری هستند که به عنوان شعر آزاد سروده شده و همهٔ عناصر قالب شعر در آن‌ها متحول شده است. این اشعار که به عنوان شعر نیمایی یا قالب آزاد لقب گرفته‌اند، در واقع نمایه‌ای از شعر نو فارسی است که نیما به عنوان پایه گذار و پیشرو آن شناخته شده است. ممارست و تجارب نیما در اشعار دسته دوم به نوعی شعر می‌انجامد که قالبی مستقل و دارای ویژگی خاص خود است. در این اشعار هر مصراع استقلال خویش را دارد. تساوی ارکان یک امر ضروری نیست وقافیه نیز جایگاه مشخصی ندارد و آنجا که مطلب تمام شود، همان‌جا قافیه می‌نشیند.

البته در اغلب موارد کاربرد قافیه در شعر نیما به عنوان "زنگ مطلب" به دو صورت انجام می‌گیرد:

www.SID.ir

Archive of SID

۱ ـ آخرین واژهٔ هر بند با آخرین واژهٔ بند دیگر قافیه قرار می‌گیرد؛ مانند: "درشب سرد زمستانی"

۲ ـ هر بند، قافیهٔ مستقل خود را دارد؛ مانند: "شعر ققنوس".

شعر آزاد نیمایی از نظر قالب شعری است که دارای همین ویژگی‌ها باشد؛ یعنی مایهٔ وزنی و موسیقیایی شعر سنتی در آن حفظ شده و بتواند در مصراع‌ها و متناسب با طول آن‌ها کوتاه و بلند شود. به عنوان مثال، شعر "ققنوس" را به عنوان اولین شعر آزاد نیمایی بررسی می‌کنیم:

"ققنوس"

	وزن:
ققنوس، مرغ خوشخوان، آوازه‌ی جهان،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان
آوره مانده از وزش بادهای سرد،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان
بر شاخ خیزران،	مفعول فاعلان
بنشسته است فرد،	مفعول فاعلان
برگرد او به هر سر شاخی پرندگان،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
او ناله‌های گمشده ترکیب می‌کند،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
از رشته‌های پاره‌ی صدها صدای دور،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
در ابرهای مثل خطی تیره روی کوه،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
دیوار یک بنای خیالی	مفعول فاعلات مفاعیل
می سازد.	مفعولن
از آن زمان که زردی خورشید روی موج	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
کمرنگ مانده است و به ساحل گرفته اوج	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
بانگ شغال، و مرد دهاتی	مفعول فاعلات مفاعیل

www.SID.ir

Archive of SID

کرده ست روشن آتش پنهان خانه را.	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
قرمز به چشم، شعله‌ی خردی	مفعول فاعلات فعولن
خط می‌کشد به زیر دو چشم درشت شب	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
وندر نقاط دور،	مفعول فاعلان
خلقند در عبور.	مفعول فاعلان
او، آن نوای نادره، پنهان چنانکه هست،	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان
از آن مکان که جای گزیده ست می پرد	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
در بین چیزها که گره خورده می‌شود	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
با روشنی و تیرگی این شب دراز می‌گذرد	مفعول‌فاعلات‌مفاعیل‌فاعلان
می‌گذرد	فاعلاتن (مفتعلن)
یک شعله را به پیش	مفعول فاعلان
می‌نگرد	فاعلاتن (مفتعلن)
جایی که نه گیاه در آنجاست، نه دمی	
ترکیده آفتاب سمج روی سنگهاش،	
نه این زمین و زندگی‌اش چیز دلکش است	
حس می‌کند که آرزوی دگر مرغها چو او	
تیره ست همچو دود اگر چند امیدشان	
چون خرمنی ز آتش	
در چشم می‌نماید و صبح سفیدشان	
حس می‌کند که زندگی او چنان	
مرغان دیگر ار بسر آید	
در خواب و خورد او،	
رنجی بود کز آن نتوانند برد نام	

www.SID.ir

Archive of SID

آن مرغ نغز خوان،
بر آن مکان زآتش تجلیل یافته،
اکنون، به یک جهنم تبدیل یافته،
بسته ست دمبدم نظر و می دهد تکان
چشمان تیزبین.
وز روی تپه‌ها،
ناگاه، چون بجای پر و بال می‌زند
بانگی برآرد از ته دل سوزناک و تلخ،
که معنیش نداند هر مرغ رهگذر،
آنگه ز رنجهای درونیش مست،
خود را به روی هیبت آتش می‌افکند.
باد شدید می‌دمد و سوخته ست مرغ؟
خاکستر تنش را اندوخته ست مرغ؟
پس جوجه‌هاش از دل خاکسترش به در. (طاهباز، ص ۱۹)

این شعر دارای ۴ بند است که بند یک از ۵ مصراع، بند ۲ از ۲۰ مصراع، بند ۳ از ۱۱ مصراع و بند ۴ از ۱۴ مصراع تشکیل شده است؛
در بند یک، مصراع‌های ۱ با ۳ با ۵ و ۲ با ۴ هم قافیه هستند؛
در بند دو، مصراع‌های ۱ با ۲ و ۷ با ۸ و ۱۰ با ۱۳ با ۱۵ هم قافیه هستند؛
در بند سه، مصراع‌های ۵ با ۷ هم قافیه هستند؛
در بند چهار، مصراع‌های ۱ با ۴، ۲ با ۳، ۷ با ۱۱ و ۱۲ با ۱۳ هم قافیه هستند؛

ـ شعر "شب سرد زمستانی":

دارای ۲ بند است؛ بند اول ۵ مصراع و بند دوم ۱۱ مصراع:

www.SID.ir

Archive of SID

در شب سرد زمستانی	فاعلاتن فعلاتن فع
کوره‌ی خورشید هم، چون کوره‌ی گرم چراغ من	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
نمی‌سوزد.	فعلاتن فاعلاتن فع
و به مانند چراغ من	فعلاتن فعلاتن فع
نه می‌افزود چراغی هیچ،	فعلاتن فعلاتن فاع
نه فرو بسته به یخ ماهی که از بالا می‌افزود.	فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
یک شب تاریک	فاعلاتن فاع
و شب سرد زمستان بود،	فعلاتن فعلاتن فاع
باد می‌پیچد با کاج،	
در میان کومه‌ها خاموش،	
گم شد او از من جدا زین جاده‌ی باریک،	
و هنوزم قصه بر یاد است	
وین سخن آویزه‌ی لب:	
"که می‌افروزد؟ که می‌سوزد؟"	
چه کسی این قصه را در دل می‌اندوزد؟"	
در شب سرد زمستانی	
کوره‌ی خورشید هم، چون کوره‌ی گرم چراغ من	
نمی‌سوزد. (طاهباز، ص ۴۸۷)	

در بند ۱ مصراع‌های ۲ و ۵ هم قافیه هستند و در بند ۲ مصراع‌های ۱ با ۵ و ۸ با ۹ با ۱۱ هم قافیه هستند.

از سال ۱۳۱۶؛ یعنی از زمان سرایش "ققنوس" تا سال ۱۳۳۷ بیشترین اشعار نیما به

www.SID.ir

Archive of SID

شیوهٔ آزاد سروده شده است.

شعرهای بلند "خانهٔ سریویلی"، "منظومه به شهریار"، "مانلی" و "پی دارو چوپان" و حدود نود شعر کوتاه و بلند ـ که نیمی از کل شعرهای نیما را تشکیل می‌دهند ـ به شیوه آزاد سروده شده‌اند. و نیز شعرهای پریان، اندوهناک شب، مادری و پسری، ناقوس، کار شب پا، پادشاه فتح، او به رویایش، سوی شهر خاموش، یک نامه به یک زندانی، مرغ آمین و ... از این دسته‌اند.

توضیحات

۱ ـ چگونه مرا به صبر راهی است. در حالی که در نشانه‌های [معشوق] اندوه است. و کاروان در میان بیابان هاست و سکوت طولانی حادثه‌ها برخاسته است.

منابع و مآخذ:

اخوان ثالث، مهدی. بدایع و بدعت‌های نیما یوشیج. تهران: انتشارات بزرگمهر، ۱۳۶۹، چ ۲.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. آواها و ایماها. تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۷۰، چ۴.

پاشا، ابوالفضل. حرکت و شعر. تهران: انتشارات سروش.

ثروت، منصور. "نظریهٔ ادبی نیما (۲) ». ادبیات معاصر. سال اول. شمارهٔ دوم. (خرداد ماه ۱۳۷۵).

زرین کوب، غلامحسین. شعر بی دروغ شعر بی‌نقاب. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲، چ ۷.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما. ترجمهٔ حجت اللّه اصیل تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.

طاهباز، سیروس. مجموعهٔ کامل اشعار نیما یوشیج. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۰

مختاری، محمد. نیما و شعر امروز. تهران: انتشارات فصل سبز و توس، ۱۳۷۹، چ ۲.

www.SID.ir